

# قمه زنی. سوغات صفویه به مذهب تشیع

نویسنده: ابوبکر بن حسین

منبع: [/http://islamtxt.net](http://islamtxt.net)

به سلطنت رسیدن صفویه مسائل بسیاری را در ایران دگرگون نمود، گذشته از علم و ادب و اقتصاد، دین و مذهب ایرانیان را نیز تحت تاثیر قرار داد و مسائل زیادی را در جنبه های مختلف مذهبی وارد کرد! در مورد بدعت عزاداری و بدعتهایی که صفویه در این بدعت داخل نموده و به شیعیان عرضه کردند، می توان به تعزیه و شبیه خوانی و معرکه گیری و زنجیر زنی و قفل زنی و گل مالی و قمه زنی اشاره نمود!

از آنجا که بررسی تمام موارد از عهده این مقاله خارج است تنها به بررسی یک مورد می پردازیم و آن مورد «قمه زنی» می باشد. [۱]

قبل از صفویه، چیزی به نام قمه زنی در مذهب تشیع وجود نداشت، البته باید گفت که در برخی تمدن های شرک آمیز و یا در بعضی مذاهب مسیحی چنین رسمی موجود بوده، چنانکه در تاریخ آمده است، زمانی که "آتیل" (۴۵۳ م) رهبر خونریز ترکهای "هون" از دنیا رفت، مردمانش به جای اشک ریختن با تیغ زدن بر بدن، خون خود را می ریختند! ادوارد گیبون می نویسد: «در مرگ آتیل... هونها قسمتی از گیسوان خود را بریدند و چهره خود را به جراحات زشت نازیبنده دریدند و در مرگ رهبر دلاور خود سوگواری کردند چنانکه در خور او بود یعنی نه با گریه که کار زنانست بلکه با ریختن خون مردان جنگی» [۲]

همچنین مرتضی مطهری رسم قمه زنی را تقلید از ارتدوکس های مسیحی می داند اما نمی گوید که در چه زمانی این تقلید صورت گرفت، وی می نویسد: «قمه زنی و بلندکردن طبل و شیپور از ارتدوکسهای قفقاز به ایران سرایت کرد و چون روحیه مردم برای پذیرفتن آنها آمادگی داشت همچون برق در همه جا دوید» [۳]

آنچه مسلم و قطعی است قبل از صفویه این رسم در ایران اسلامی وجود نداشت، حتی که "حجة الاسلام محمد هادی یوسفی غروی" می گوید: «از نظر تاریخی ظاهراً آن وقت که صفویه سر کار آمدند، قمه زنی پدید آمد و مسلماً هیچ سابقه ای هم بر صفویه ندارد.» [۴]

همچنین سید تقی طباطبایی می نویسد: «در صفحه ی ۸۷ "الشیعه و التشیع" آمده است: سپس وقتی که صفویین در ایران قیام کردند نوحه سرائی بین ایرانیان گسترش یافت

و همه مردم به او روی آوردند و زنجیر به بدن زدن و زخمی کردن سر و قفل زدن بر بدن و غیر اینها در میان مردم ظاهر شد.» [۵]

با این وجود، "حجة الاسلام رسول جعفریان" نظر متفاوتی دارند و می گویند: «راجع به سینه زنی و قمه زنی، تاریخش به بیشتر از اواخر قاجاریه نمی رسد.» [۶]

نوشتار حاضر در پی آن است که با ارائه مدارک معتبر ثابت کند که قمه زنی از دوران صفویه وارد مراسم عزاداری شیعیان شده است.

در ابتدا باید دانست که در تواریخ و نوشته هایی که مورخین صفوی نوشته اند، اطلاعات خاصی در این زمینه موجود نیست و عمده منابعی که به این مورد اشاره کرده اند، نوشته های سیاحان و سفیران خارجی می باشد چرا که اعمال عجیبی که در ایام عزاداری شکل می گرفت برای نویسندگان ایرانی، عادی شده بود ولی برای نویسندگان خارجی، چنین صحنه هایی عجیب و دور از تصور بود به همین خاطر آن را منعکس نموده اند.

یکی از محققین به نام "ژان کالمار" با بررسی سفرنامه های صفوی در این باره چنین می نویسد: «در همان سالی که شاه اسماعیل قدرت را در شهر تبریز به دست گرفت ( ۹۰۷هـ/ ۱۵۰۱م)، در روز عاشورا در شهر دمشق بعضی «اوباش و قلندران ایرانی» دور هم جمع شدند و اعلام کردند که شیعیان بدعت گذارند، (چرا که) صورتهایشان را زخم میزنند و کارهای دیگری نظیر آن انجام می دهند.» [۷]

همچنین می نویسد: «طبق سفرنامه یکی از اروپاییان، در اواسط قرن شانزدهم (دوران شاه طهماسب)، در جزیره هرمز اقلیت شیعه در مسجد بزرگ جلال آباد که در حاشیه شهر واقع شده بود، مراسم ماه محرمشان را برپا می کردند و هر ساله «به عشق پیامبر» قمه میزدند.» [۸]

ژان کالمار اضافه می کند: «چنین سوگواریهایی هم در مراسم عاشورا و هم در عزای اشخاص متوفا برپا می شد. اساس حالت عاشقان حسین (ع) را اندوه آمیخته با ندامت تشکیل می داد، افزون بر آن اعمالی مثل آشفتن مو، کوبیدن با مشت بر سینه و پیشانی هم انجام می شد که چنین مراسم خونباری به تدریج وارد مراسم سوگواری شیعیان شد. به علاوه زخمهایی که در بالا ذکر آن رفت و با قمه و شمشیر بر پیشانی می زدند، گزارشهایی از داغ کردن و سوختن قسمت‌های مختلفی از بدن توسط کاکاش (Kakash) و زنجیر زنی توسط کوتو (Kotov) و غیره در اوایل قرن هفدهم داده شده است.» [۹]

"انگلبرت کمپفر"، پزشک آلمانی که از سال ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵ م در ایران اقامت داشت در کتاب خود در بخش "درویشی در ایران" به حیدری ها و نعمتی ها اشاره کرده و می نویسد: «حیدری ها عمامه ای دارند پنج ترک که از پارچه ای کهنه ساخته شده است، پشت خود را با پوست گوسفند دباغی نشده می پوشانند و در دستی چوبدست و در دست دیگر بوقی دارند، اینها دشمن صلبی و باطنی با نعمت الهی ها دارند، نعمت الهی ها لباسشان کمتر عجیب و غریب است، هرکس در ایران به طرفداری یکی از دو فرقه قیام میکند بطوری که سکنه تمام شهرهای ایران به دو گروه مختلف یعنی به طرفداران حیدری ها و نعمتی ها تقسیم شده است. در نتیجه هر سال بین جوانان و مردم عادی از هر دو فرقه مسابقات انجام میگیرد. پس از شرط بندی هائی که درباره نتیجه مسابقات انجام میگیرد، سرانجام کار به مشت زنی، چاقو کشیدن و سنگ پرتاب کردن می انجامد و شوخی تبدیل به جدی میشود تا بجائی که فقط دخالت مسلحانه داروغه شهر ممکن است بتواند مانع از خونریزی و نزاع گردد. سخت ترین برخوردها در روز قتل امام حسین در ماه محرم است. مردم که یادآوری سرگذشت فاجعه آمیز آل علی خونشان به جوش آمده به جان هم می افتند و متقابلاً با قمه از سر یکدیگر خون جاری میکنند» [۱۰]

همچنین وی در جایی دیگر چنین گزارش می کند: «در برخی از شهرها شرکت کنندگان در عزاداری با تیغی که در دست دارند به سر خود که تازه تراشیده اند زخم می زنند. یعنی برش دایره ماندی در پیشانی و خراش طولی در جمجمه خود ایجاد می کنند تا قتل امام حسین را به صورتی محسوس مجسم کرده باشند» [۱۱]

به نوشته "کاتف"، سیاح روسی، که در سال های ۱۶۲۳ - ۱۶۲۴ م در ایران بوده: «جمعی از مردان و کودکان عزادار در میدان اصفهان سرهای خود را شکافتند و خون آلوده حرکت کردند. عده ای از آنان علاوه بر سر، پوست دست ها و سینه های خود را با تیغ بریده و خون را به سر و صورت خود مالیدند» [۱۲]

"شرلی" نیز در سفرنامه خویش که مربوط به عصر شاه عباس است، می نویسد: «و هر سال در روز قتل مرتضی علی با کارد خود را مجروح می کنند. و به طوری عذابهای سخت به خود می دهند که گاهی می میرند.» [۱۳]

گزارشی از "اولیاء چلبی" (۱۰۵۰ هـ ق) در عهد شاه صفی صفوی در مورد عزاداری مردم تبریز که مرکز اصلی تجمع دراویش و صوفیان بوده مؤید اظهارات فوق است: «هنگامی که خواننده به قسمتی میرسد که طرز کشته شدن امام حسین به دست شمر ملعون را توصیف

می کند درست در همان لحظه تصاویر اجساد اطفال کشته شده امام را از چادر شهیدان کربلا بیرون می آورند. از تماشای این منظره فریادها و ناله و شیون های "وای حسین" گوش فلک را کر می کند و تمامی تماشاگران گریه و ناله سر می دهند، صدها تن از مخلصان با شمشیر و قمه به سر و صورت و پیکر خود زده مجروح می شوند. «[۱۴]

همچنین "آدام اولئاریوس" در این باره مشاهدات خود در اردبیل را [۱۵] چنین عرضه می دارد: «زمانی که خورشید برآمد تعداد زیادی از اهالی در حیاط جلوی مزار شیخ صفی بازوان خود را به نشتر = تیغ [که سنت آن هاست] سپردند. چند تن دیگر رگ دست خود را باز کردند. یعنی بریدند [تعداد آن ها به قدری زیاد بود که تا ظهر حیاط را خون آن چنان پوشانده بود که به نظر می رسید چندین رأس گاو نر را سر بریده اند، چند پسر بچه بازوان خود را با نشتر پاره کرده بودند و با دست دیگر بر زخم آن می کوفتند تا تمام دست آن ها از خون رنگین و قطرات آن به اطراف پاشیده شود و با همین حال در کوچه های شهر روان شدند. این کردار به یاد روان شدن خون امام مظلوم آن هاست و باور دارند که با رفتن خون، بسیاری از گناهان و تقصیرات آنان نیز از بدن بیرون می رود و هر کس که در این ده روز و نیز در زمان عزاداری حضرت علی (ع) و عید قربان و سایر اعیاد مذهبی جهان را بدرود گوید و در مراسم مربوط به آن ها شرکت کرده باشد مشمول رحمت الهی خواهد شد.» [۱۶]

"حجة الاسلام سید حسین معتمدی کاشانی" می نویسد: «در طول قرون گذشته تا زمان منع حکومت فعلی، قمه زدن در شوشتر رایج بوده و قمه زنها از مقام براء بن مالک به امامزاده عبدالله میرفتند، و حسب نقل معتمدین و مطلعین شهر تا آنجایی که اطلاع است قمه زدن شوشتر سابقه چهارصدساله دارد و از زمان صفویه تا به الان رایج بوده است!» [۱۷] در پایان :

"دکتر علی شریعتی" که شاید اولین نفر از جامعه شیعه باشد که دستکاری و تحریف صفویه را در مذهب شیعه برملا ساخت ؛ در همین باره می نویسد:

«شیعه ای احساسی و رقیق القلب .... خشم و کین و عشق جانش را مشتعل می سازد، قیام می کند، دست از جان می شوید، دست به شمشیر میبرد و به خشم میزند، اما بر فرق خودش! ای والله صفویه! روحانیون صفویه! چگونه روحانیت صفویه توانست چنین تشیعی درست کند که همه چیزش درست به شیعه می ماند، اما هیچ شباهتی به شیعه ندارد؟»

[۱۸]

- [۱] - در مورد دیگر جنبه های بدعی می توانید به کتاب ارزشمند " تشیع علوی و تشیع صفوی " دکتر علی شریعتی رجوع کنید، همچنین مقاله محققانه «"علی رضا ذکاوتی قراگزلو" با عنوان " تأثیر تصوف بر شعائر عزاداری "، مجله کتاب ماه و هنر، شماره ۳۹»
- [۲] - انحطاط و سقوط امپراطوری رم، ج ۲، ص: ۸۲۴؛ ادوارد گیبون؛ مترجم: فرنگیس نمازی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - تهران، ۱۳۸۱ ش
- [۳] - جاذبه و دافعه علی، ص: ۱۶۵، مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا؛ ۱۳۶۸، ط ۹
- [۴] - مصاحبه با محمد هادی یوسفی غروی "آسیب شناسی عزاداری سالار شهیدان (ع)" موجود در سایت شخصی ایشان: [http://www.yousofi.info/fa/article\\_۳۴۷.htm](http://www.yousofi.info/fa/article_۳۴۷.htm) [۱]
- [۵] - شهید کربلا، ج: ۲ ص: ۱۷۲، سید تقی طباطبایی قمی؛ نشر حسینیہ عماد زاده - اصفهان
- [۶] - به نقل از، مصاحبه محمد هادی یوسفی غروی
- [۷] - آیینها و اقتدار تشیع، تحکیم تشیع صفوی، مذهب پرطرفدار و مردمی، مجله فرهنگ و هنر - تئاتر ۱۳۷۹ شماره ۲۴ - ۲۵، ص: ۴۰؛ ژان کالمار، مترجم: ید الله آقا عباسی
- [۸] - ژان کالمار، منبع پیشین
- [۹] - منبع پیشین
- [۱۰] - در دربار شاهنشاه ایران (سفرنامه کمپفر) ص: ۱۵۴، انگلبرت کمپفر، ترجمه کیکاوس جهاننداری؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
- [۱۱] - سفرنامه کمپفر، ص: ۱۸۰ ( اولین برگردان کتاب به فارسی)، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ ش
- [۱۲] - سفرنامه فدت آفاناس یویچ کاتف ص: ۸۱؛ ترجمه محمدصادق همایونفرد؛ ویرایش عبدالعلی سیاوشی - کتابخانای ملی ایران - تهران
- [۱۳] - سفرنامه برادران شرلی، ص: ۷۷، به کوشش علی دهباشی، ترجمه آوانس، نشر نگاه، ۱۳۸۷ ش
- [۱۴] - ر.ک: «تعزیه، نیایش و نمایش در ایران، ص: ۱۵۳، پیتر چکلووسکی، مترجم: داود حاتمی؛ وزارت فرهنگ و آموزش عالی، علمی و فرهنگی، ط ۱۳۶۷، ۱ ش» و «ایرانیان و عزاداری عاشورا، ص ۶۱، اصغر فروغی ابری»
- [۱۵] - وی در ابتدای سخنش در مورد مراسم عاشورا می نویسد: « ظهر آن روز خان به سفرا گفت که امشب (بیست و چهارم ماه مه) ایرانی ها طی مراسمی، عاشورا را به پایان می برند و چنانچه آقایان سفرا مایل به دیدن باشند او از آنها دعوت می کند تا در این مراسم شرکت کنند.» سفرنامه اولتاریوس، ص ۱۱۱
- [۱۶] - سفرنامه آدام التاریوس: بخش ایران، ص: ۱۱۸، مترجم: احمد بهپور، سازمان انتشاراتی و برهنگی ابتکار - تهران، ۱۳۶۳ ش
- [۱۷] - عزاداری سنتی شیعیان، ج ۱، ص: ۴۴۵، سید حسین معتمدی کاشانی، عصر ظهور، قلم مکنون - تهران

[۱۸] - تشیع علوی و تشیع صفوی، ص: ۱۴۴، علی شریعتی ؛ نشر حسینیه ارشاد